

## جوانان در گفتمان سیاسی مقام معظم رهبری

احمد جانسیز<sup>۱</sup>

دانیال رضایپور<sup>۲</sup>

### چکیده:

هویت جمهوری اسلامی ایران موضوعی شناختی از انقلاب اسلامی با شاخصه‌های متمایز و برجسته است که تحکیم و تعالی آن در راس هر نوع گفتمانی قرار دارد. در این نوشتار با تأکید بر گفتمان سیاسی امام خامنه‌ای که مبتنی بر مبانی الهی پاسخ‌گویی در قبال جوانان جمهوری اسلامی در عصر ناامنی‌های گسترده بوده است؛ ماهیت هستی‌شناختی اهمیت جوانان با طرح چارچوب نظری بیان گردیده است، اهداف ما با توجه به نوع پژوهش که به لحاظ کیفی و از نظر ماهیت و روش در نوع توصیفی و تحلیلی قرار می‌گیرد این‌گونه است که گفتمان سیاسی معظم له را بر جهت‌گیری و راهبرد ایشان در دوره زمانی رهبری انقلاب اسلامی در قبال جوانان را تبیین کنیم. از آنجا که گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی و در امتداد آن مقام معظم رهبری در قالب دین اسلام تکوین یافته است؛ سؤال اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که: گفتمان برآمده از دین اسلام چه تأثیری بر جهت‌گیری سیاسی مقام معظم رهبری در مورد جوانان داشته است؟ پاسخ موقت به این سؤال، به عنوان فرضیه عبارت است از: گفتمان سیاسی برآمده از دین اسلام در رهبری معظم له متشکل از عناصر توحید و خدامحوری، عدالت، باهم بودگی، مردم سالاری دینی، توسعه، استکبار ستیزی و دانش محوری است که در دیدگاه امام خامنه‌ای نسبت به جوانان تبلور یافته است.

### کلیدواژه:

جوانان، گفتمان سیاسی، مقام معظم رهبری، گام دوم انقلاب، انقلاب اسلامی ایران

<sup>۱</sup> دانشجویار علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان

<sup>۲</sup> دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان - danyalrezapoor@gmail.com

## مقدمه

در هر جامعه سیاسی، جوانان از جمله مهمترین قشرهای هر جامعه هستند که خصوصیات بی‌بدیل آن‌ها در سطح مدیریت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی حضور آن‌ها در مناسب مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را محل بحث و تبادل آراء قرار داده است؛ لذا در این زمینه سیاست جوان‌گرایی بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد. در جمهوری اسلامی ایران نیز چنین است و جوانان به عنوان قشر اغلب تحصیل‌کرده، پرتلاش و دارای نیروی جوانی مرکز توجهات و تحلیل‌ها هستند به گونه‌ای که مقام معظم رهبری خطاب به جوانان دانشجو از تعبیر مؤذنان جامعه یاد می‌کنند که در صورت عدم هوشیاری آن‌ها، فریضه جامعه قضا می‌شود؛ لذا جوان‌گرایی در حکمرانی کشور و گردش نخبگان، موضوع بسیار مهمی است که همواره در سخنان رهبر معظم انقلاب نیز مورد توجه قرار گرفته است به طوری که این موضوع را می‌توان در بیانیه گام دوم انقلاب نیز دارای نقشی محوری دانست. همچنین با بررسی اجمالی بیانات معظم له و تأکید ایشان بر استفاده از جوانان، اهمیت موضوع دوچندان می‌گردد؛ بنابراین دو مقوله جوانان و مقام معظم رهبری از جمله مقولاتی هستند که پس از دهه ۱۳۷۰ بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و متخصصان و محققان رشته‌های مختلف قرار گرفته است. همچنین پس از رحلت حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار فقید ج.ا. اسلامی در سال ۱۳۶۸ ضرورت شناسایی ابعاد وجودی ایشان در دستور کار نظام قرار گرفت و از آن تاریخ به بعد حجم عظیمی از کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی، همایش‌ها سمینارها و نشست‌های متعدد در سطوح مختلف ملی، استانی و محلی و حتی همایش‌های بین‌المللی و بزرگداشت‌های سالانه با موضوع امام خمینی را شاهد بوده ایم. هم زمان ضرورت توسعه کشور براساس برنامه‌های مدون نیز در دستور کار نظام قرار گرفت و از سال ۱۳۶۸ نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مورد اجرا گذاشته شد و تاکنون چهار برنامه پنج ساله با فراز و نشیب‌های مختلف تدوین و اجرا شده‌اند. اما در ارتباط با جایگاه موضوع جوانان از آن تاریخ تاکنون باید متذکر شد که موضوع جوانان از همان برنامه پنج ساله اول توسعه آغاز و سپس در قالب گنجاندن مواد بیشتر و شفاف‌تر در قوانین برنامه‌های دوم و سوم و چهارم توسعه استمرار و استحکام بیش‌تری یافت.

در جمهوری اسلامی ایران، دغدغه رهبرانقلاب اسلامی در قبال مقوله جوانان از جمله مقولات پراهمیت بوده که ریشه‌های این اهمیت بالا به دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی "دوران مبارزات نهضت امام

خمینی " برمی‌گردد. دورانی که اصول جمهوری اسلامی تحت رهبری امام خمینی و با اتکای بر مجاهدت - های جوانان آزادی خواه، عدالت جو و استقلال طلب پی‌ریزی شد. در این نوشتار که تحت عنوان " جوانان در گفتمان سیاسی مقام معظم رهبری " و با هدف تبیین سیره نظری و عملی معظم له در قبال نسل جوان تنظیم شده است، ارتباط معناداری بین دو مقوله امام خامنه‌ای و جوانان برقرار شده است. در مقاله حاضر تلاش می‌شود گفتمان سیاسی معظم له را بر جهت‌گیری و راهبرد ایشان در دوره زمانی رهبری انقلاب اسلامی در قبال جوانان را تبیین کنیم. از آنجا که گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی و در امتداد آن مقام معظم رهبری در قالب دین اسلام تکوین یافته است؛ سؤال اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که: گفتمان برآمده از دین اسلام چه تأثیری بر جهت‌گیری سیاسی مقام معظم رهبری در مورد جوانان داشته است؟ پاسخ موقت به این سؤال، به عنوان فرضیه عبارت است از: گفتمان سیاسی برآمده از دین اسلام در رهبری معظم له متشکل از عناصر توحید و خدامحوری، عدالت، باهم بودگی، مردم سالاری دینی، توسعه، استکبار ستیزی و دانش محوری است که در دیدگاه امام خامنه‌ای نسبت به جوانان تبلور یافته است. به منظور آزمون این فرضیه، مطالب در دو قسمت تدوین و تنظیم می‌گردد. در بخش نخست، نظریه تحلیل گفتمان به عنوان چارچوب نظری مقاله توضیح داده می‌شود. در قسمت دوم، با توجه به اینکه گفتمان سیاسی معظم له نشئت گرفته از دین اسلام است، چگونگی اثرگذاری هر یک از عناصر و مؤلفه‌های گفتمان سیاسی ایشان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در قسمت سوم، گفتمان سیاسی رهبر در قبال جوانان مطرح می‌شود. روش بحث در این مقاله، آمیخته‌ای از روش عقلی و استدلالی، نقلی و اخباری، و تحلیل محتوای کیفی است که با رویکرد امروزی و کاربردی به طرح مباحث می‌پردازد. استفاده از یک روش خاص در چنین مباحثی که میان رشته‌ای بوده و جوانب و زوایای گوناگون دارند، عملاً امکان - پذیر نیست.

## چارچوب نظری

نظریه تحلیل گفتمان که ریشه در زبان‌شناسی دارد، به تدریج تحول یافت و تحت عناوین تحلیل گفتمان ساختارگرا، نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی بررسی شده است. بر پایه این نظریه، اشیاء و پدیده‌ها فقط از طریق گفتمان معنادار شده و قابلیت فهم و شناخت پیدا می‌کنند. این گفتمان است که به واقعیت معنا می‌دهد. هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان تغییر در جهان اجتماعی را به همراه دارد. هرچند زمان زیادی از طرح نظریه گفتمان نمی‌گذرد، تفسیرهای مختلفی از آن وجود دارد که در حوزه علوم سیاسی، ارنستو لالکلا و سنتال موف با بسط نظریه فوکو و تلفیق مارکسیسم و ساختارگرایی مهمترین نظریه گفتمانی را ارائه کرده‌اند. آن دو با عاریت گرفتن مفهوم

قدرت از فوکو به گفتمان نیرویی پیش‌راننده بخشیدند. آنان معنی‌دار بودن اشیاء و اعمال را تنها با این شرط که جزء گفتمان باشند مطرح کرده‌اند و هیچ چیز را به خودی خود دارای هویت نمی‌دانند. به عبارت دیگر، هویت هر چیز صرفاً در شبکه هویت‌های دیگر که با هم مفصل‌بندی شده‌اند، پدید می‌آید، لذا هویت از این منظر ارتباطی است. از لاکلا و موف، تنها دریچه شناخت انسان به جهان گفتمان‌ها هستند و هر گفتمان به هر چیز در چارچوبی از نظام معانی، مفهومی خاص می‌بخشد. از این رو، یک فعل یا سخن در هر گفتمانی می‌تواند معانی خاص خود را داشته باشد؛ مثل کاربرد چاقو که در ازای کاربرد آن توسط پزشک یا انسان خلافکار بار معنایی متفاوت می‌گیرد. در نهایت آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موف را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است (خواجه سروری و رادفر، ۱۳۹۶: ۲-۳).

از منظر لاکلا و موف، گفتمان حوزه‌های است که مجموعه‌ای از دال‌ها در آن به صورت شبکه‌ای در می‌آیند و معنایشان در آنجا، تثبیت می‌شود. تثبیت معنای یک نشانه در درون گفتمان از طریق طرد دیگر معانی احتمالی آن نشانه، صورت می‌گیرد. البته هر جامعه از مجموعه‌ای از گفتمان‌ها و دست‌کم دو گفتمان تشکیل شده است، و درون هر گفتمان نیز، مجموعه‌ای از خرده گفتمان‌های رقیب وجود دارد که با وجود اشتراک در دال مرکزی، می‌توانند درباره منظومه دال‌های گفتمانی دیگر با هم تفاوت چشمگیری داشته باشند. هر گفتمان نیز از مجموعه‌ای از گزاره‌ها یا نشانه‌ها شکل گرفته است که در میان این گزاره‌ها، یک گزاره در مقام دال مرکزی در هسته و مرکز قرار دارد و گزاره‌های دیگر که با تعبیر دال‌های شناور از آنها یاد می‌شود، پیرامون دال مرکزی حلقه زده‌اند. در جامعه و درون هر گفتمان نیز، پیوسته میان خرده گفتمان‌ها، نزاع‌های گفتمانی یا نزاع برای تفسیر جهان از طریق تعیین مدلول هر دال برقرار است، و این نزاع سرنوشت جامعه را تعیین می‌کند. هر خرده گفتمان می‌کوشد با برجسته کردن معنایش و طرد معنای گفتمان مقابل به همه امور و پدیده‌ها، معنای متناسب با دال مرکزی خود بیخشد و از رهگذر همین تعارضات نیز هویت کسب می‌کند. به باور لاکلا و موف هر نشانه تا زمانی که معنای مورد نظر یک گفتمان را نداشته باشد، یک عنصر است؛ اما زمانی که حامل معنای یک گفتمان شد به وقت تبدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر، وقتی نشانه‌ای نیت‌مند و دارای موضع است، اما وقتی هنوز واجد معنای تثبیت شده نیست. این تثبیت معنای دال‌ها، حاصل کنش و عملی است که ضمن متعادل و تعریف نمودن آنها، مجموعه و ساختی ویژه و خاص از دال‌ها را می‌آفریند. لاکلا و موفه این عمل را

مفصل بندی نامیده‌اند. دال‌ها بر اثر عمل مفصل بندی به مجموعه روابط دال‌های دیگر وارد، و به وقته-های آن گفتمان تبدیل می‌شوند. البته دال‌های هر گفتمان حول نقطه‌ای کانونی و با ثبات‌تر حرکت می‌کنند، که لا کلا و موفه آن را نقطه گرهی و یا دال برتر نامیده‌اند (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲-۴).

## ویژگی گفتمان سیاسی مقام معظم رهبری

اکنون که تا حدودی به گونه‌شناسی گفتمان اشاره کرده‌ایم، می‌بایست به واکاوای عناصر و دال‌های مقام معظم رهبری پرداخت. اما پیش از بررسی عناصر تشکیل دهنده گفتمان ایشان می‌بایست نکاتی را یاد آور شد: ۱- به جرات می‌توان گفت گفتمان معظم له به عالی‌ترین شکل، نشانگر پیکره‌بندی مفاهیم ایدئولوژیک است. مفاهیمی که بر اساس تمایز دوگانه‌ای استوارند. این تمایزهای دوگانه‌ای مفهومی همانند توحید و خدامحوری به عنوان دال مرکزی در مقابل نابرابری بشدت سیاسی‌اند و تنها حوزه سیاست را نشانه رفته‌اند. ۲- تحلیل گفتمان سیاسی مقام معظم رهبری به خوبی نشان دهنده نقش اسلام در معنایابی دال‌های دیگر در گفتمان امام است. حصرگرایی (حقیقت) موجود در گزاره‌های اسلامی به خوبی در گزاره‌های مطروحه در گفتمان ایشان نمایان است. گویی که ندای محمد(ص) بعد از پیامبر و امامان از زبان مقام معظم رهبری بر می‌آید. ندایی برای دعوت به یک حقیقت و یک حقانیت.

### دال مرکزی: توحید و خدامحوری

در گفتمانات رهبر جمهوری اسلامی ایران، توحید، خدا محوری و خداگرایی و پیوند با اسلام جایگاه رفیعی دارد و در واقع محور اصلی منظومه فکری ایشان است. ایشان در بیانات خود در حوزه‌های مختلف به توحید و اعتقاد و اعتماد به خداوند و تکیه بر اسلام و قرآن تاکید دارند و آن را اساس حکومت و نظام می‌دانند. از نظر ایشان: «توحید یعنی اعتقاد به این که این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش از کهکشان‌ها و سحابی‌ها... ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است... نکته بعدی این که این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی‌نهایت و توصیف ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او خدا می‌گویند و او را با آثارش می‌شناسند... توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم» (حدیث ولایت، ۱۳۷۹/۱۰/۷۰). ایشان بر توحید خالص به معنای نفی عبودیت غیر خدا تاکید داشته و آن را تنها اعتقاد به خدا نمی‌دانند، بلکه از نظر ایشان، توحید به معنای اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت و عبودیت خدا و عدم عبودیت غیر خدا است که این نگاه در واقع توحید را بر مبنای لا اله الا الله تفسیر

می‌کند (عاملی، ۱۳۹۵: ۷). از سوی دیگر، در ارتباط با خداگرایی و توحید، ایشان به اعتماد و وثوق به خداوند متعال، اعتماد به نصرت الهی و وعده‌های الهی و حسن ظن به خداوند توجه دارند و آن را یکی از عناصر سازنده انقلاب اسلامی و ایستادگی آن و همچنین عامل مهمی برای مقابله با دشمنی‌های دشمن و رفع گرفتاری‌ها می‌دانند. ایشان در بیانات خود می‌فرمایند که: «به خدای متعال باید حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال ملامت می‌کند آن کسانی را که به او حسن ظن ندارند... سوء ظن به خدا چیست؟ سوء ظن به خدا این است که انسان خیال کند این که فرموده است "ولینصرون الله من ینصره" خلاف واقع است» (حدیث ولایت، ۱۳۹۰/۰۷/۰۶). ایشان همچنین در فراز دیگری می‌فرمایند: «خود را هم از لحاظ فکری، هم از لحاظ جسمانی و هم از لحاظ آموزش مجهز کنید و ارتباط خود را با خدای متعال تقویت کنید. دل‌های جوان و نورانی شما آماده ارتباط با خداست. این ارتباط در سخت‌ترین میدان‌ها به شما نیرو می‌دهد. توکل به خدا، اعتماد به خدا و احساس رابطه با خداوند متعال در انسان عزت می‌آفریند، به او اعتماد به نفس می‌دهد و به او شجاعت می‌بخشد و یک ملت برای گذر کردن از گردنه‌های دشوار به این‌ها نیازمند است. خودتان را از همه جهات آماده کنید» (حدیث ولایت، ۱۳۸۵/۰۵/۰۴).

### دال‌های شناور گفتمان سیاسی مقام معظم رهبری

#### عدالت

یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه سیاسی، مفهوم عدالت می‌باشد که در رابطه با آن بحث‌های مختلفی صورت گرفته است. با نگاه به اندیشه‌های دانشمندان سیاسی می‌توان دریافت که همه آنان در تشکیل نظام‌ها به مسئله عدالت اشاره کرده و یکی از مهم‌ترین اهداف نظام‌ها و حکومت‌ها را برقراری عدالت برشمرده‌اند. اگرچه در تبیین معنی عدالت بین اندیشمندان اختلاف نظرهایی وجود دارد لکن در وجود و اهمیت آن برای نظام‌ها هیچ کدام از اندیشمندان شکی نداشته و آن را از پایه‌های ثبات و تحکیم حکومت‌ها دانسته‌اند. این مسئله در اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته و حکومت نبی اسلام (ص) و ائمه (ع) برپایه آن بنا شده است. به طوری که تفاوت اصلی حکومت صالحین با حکومت‌های جائز نیز در وجود و توجه به این مسئله بوده است. حکومت امیر مومنان (ع) نیز که الگوی کامل عملی سازی عدالت در نظام سیاسی اسلام می‌باشد به عنوان مصداق عینی نظام عادل در طول تاریخ مورد استناد اندیشمندان بوده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: "تکیه بر عدالت، اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است؛ ادامه کار همه انبیا و مصلحان بزرگ تاریخ است. البته عدالت، دشمنانی دارد. همه کسانی که نانشان در بی عدالتی است، با عدالت دشمن‌اند. همه کسانی که با قلدری و زورگویی - چه

در صحنه ملی، چه در صحنه بین‌المللی - تغذیه می‌شوند، با عدالت مخالفند. شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست... عدالت را نباید تندروی و مخالفت با شیوه‌های علمی دانست. با استفاده از همه شیوه‌های عالمانه و با تدبیر می‌توان عدالت را در جامعه مستقر کرد (حدیث ولایت، ۱۲/۰۵/۱۳۸۴).

### باهم بودگی

عنصر دیگری که از مؤلفه‌های کلیدی گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، ضرورت توجه همزمان به "عقلانیت، معنویت و عدالت" است که تحت عنوان عنصر "باهم بودگی" مطرح شد. توضیح اینکه از دیدگاه رهبری، سه بعد عقلانیت، معنویت و عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) را یک بسته جدایی‌ناپذیر تشکیل می‌دهد. علت این تأکید این است که آنچه غرب و حتی شرق را به اضمحلال سیاسی و فرهنگی کشانده، همین تکه تکه دیدن و غفلت از حداقل یکی از این ابعاد سه‌گانه است. از همین رو، آیت الله خامنه‌ای معتقد است که مکتب امام یک بسته کامل و یک مجموعه، و دارای ابعادی است و این ابعاد را باید با هم دید و با هم ملاحظه کرد: "دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است... بُعد سوم هم وجود دارد که آن هم مانند معنویت و عقلانیت از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است. معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است. این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است و آن، بُعد عدالت است. این‌ها را باید با هم دید. تکیه بر یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند؛ به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام (حدیث ولایت، ۰۸/۰۶/۱۳۸۴).

بنابراین اگرچه مفاهیم بنیادین انقلاب اسلامی در فرایند تحلیل از یکدیگر جدا می‌شود در فرایند هم-نهاد، دوباره در کنار هم قرار می‌گیرد و در ارتباط با یکدیگر، مجموعه‌ای منظم و منسجم را پدید می‌آورد. این نوع از تحلیل در سنت کلاسیک فلسفه اسلامی در دوره میانه ریشه دارد که با جلوگیری از جزئی‌نگری بر کلی‌نگری تأکید دارد. از همین رو، آیت الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری بر پایبندی به این مجموعه تأکید می‌ورزند و انحراف از آن را موجب انحراف از نظام اسلامی می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: "خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه می‌شوند؛ معنویت و عدالت با هم ملاحظه می‌شوند؛ شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند؛ عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم

بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود» (حدیث ولایت، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲).

### مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی سومین فاکتوری است که از منظر نگارندگان از عوامل اصلی گفتمان سیاسی معظم له به حساب می‌آید. بنابراین در نگاه مقام معظم رهبری، حکومت اسلامی در امر اداره جامعه، روش خاص خود را داراست و این‌گونه نیست که بتواند برای نیل به اهداف و غایات خود از روش‌های غربی بهره بگیرد. علت چنین امری هم به موضوع جایگاه و شأنیت ارزش در روش‌ها بر می‌گردد. چراکه هر روشی بر یک سری ارزش‌هایی بنا نهاده شده است که کاربرد آن را محدود می‌سازد. به همین خاطر چون حکومت اسلامی، ارزش‌های خاص خود را دارد، لازم است روش‌های ویژه‌ای برای حکومت‌داری داشته باشد. این روش با وجود اینکه با دموکراسی غربی مخالف است، با استبداد و دیکتاتوری نیز ناسازگار بوده و در تضاد است. ایشان از آن به «مردم‌سالاری دینی» تعبیر نموده‌اند. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، این روش، روشی کاملاً جدید و تازه است که می‌تواند در تحصیل نظام‌های سیاسی به عنوان یک روش مستقل و جدید، مورد توجه قرار گیرد. «امروز مردم سالاری دینی که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است» (خواجه سروری، ۱۳۹۵: ۸-۹). معظم له در رابطه با مردم سالاری دینی و حضور مردم در صحنه می‌فرمایند: «آنجایی که جای حضور مردم است حضور مردم استوار، مقتدر، عازم، بی‌ملاحظه از همه قشرها بازآمدند خیابان‌ها را پر کردند و مانند یک شط‌خروشان همه این زباله‌ها و زیادی‌ها را شستند و با خودشان بردند، مردم چنینند، مردم اهل وحدتند» (حدیث ولایت، ۱۳۷۹/۱۱/۲۵). همچنین در جای دیگری می‌فرمایند: «ملت ایران مفتخر است که مسیر مردم سالاری اسلامی را در دوره‌های پی‌در پی با انگیزه و نشاط، پیموده و این درخت سرسبز و ثمربخش را در هر دوره، سرفرازتر و ریشه دارتر کرده است» (حدیث ولایت، ۱۳۹۲/۰۵/۱۲).

### توسعه

در بعد کارآمدی به معنی عام، مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین مولفه در رسیدن به اهداف در توسعه خلاصه می‌گردد و کشوری کارآمد تلقی می‌شود که در این زمینه حرفی برای گفتن داشته باشد. البته در این زمینه که توسعه به تنهایی گویای کارآمدی نظام است یا اینکه برای رسیدن به آن می‌توان از هر شیوه‌ای استفاده نمود و یا اینکه چگونه می‌توان به توسعه رسید نیز اختلاف نظر وجود دارد. از نگاه نظریه‌پردازان توسعه در غرب، راه توسعه یکی و آن هم تبدیل شدن کشورهای توسعه یافته به شکل و شمایل کشورهای



غربی است اما پس از تجربیات بسیار در حوزه نظر و عمل، اکنون بسیاری از این نظریه پردازان معتقدند که هر کشوری باید الگوی خاص خودش را با توجه به ارزش‌ها و نیازهایش تدوین نماید. بهره‌گیری از تجربیات موفق و درست دیگران امری کاملاً مورد تأیید رهبری است اما تقلید از الگوهای دیگران مورد نکوهش ایشان و بر این اساس، توسعه‌گرایی مقام معظم رهبری دارای چهار رکن اصلی است: بهره‌گیری از تجارب دیگران در عین نفی تقلید - توسعه بر مبنای هویت، ارزش‌ها و آرمان‌های دینی و ملی - توسعه همراه با عدالت - سرعت در توسعه (شفیعی و نیک بین، ۱۳۹۴: ۱۲).

### استکبار ستیزی

یکی از عرصه‌های مهم گفتمان سیاسی رهبری انقلاب اسلامی "استکبارستیزی" است که می‌توان از آن تحت عنوان "آرمان واقع‌بینانه انقلاب اسلامی" نام برد. مقام معظم رهبری در بیانات خود چهره واقعی استکبار را تبیین کرده، و مبارزه با استکبار را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عقلانیت دانسته‌اند. از دیدگاه رهبری، مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی به منطق و عقلانیت وابسته است. ایشان می‌فرمایند: "مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی، و یک حرکت خردمندانه است؛ برخلاف آنچه بعضی می‌خواهند وانمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی به منطق و عقلانیت نیست، به عکس؛ حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است. از دین و آیه قرآن و آنچه الهام دینی است فعال صرف نظر می‌کنیم؛ "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" و «قَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ» را فعال کنار می‌گذاریم، چون کسانی به این چیزها معتقد هم نیستند یا باور هم ندارند؛ به تجربه ملت ایران تکیه می‌کنیم» (حدیث ولایت، ۱۲/۰۸/۱۳۹۴).

این گفتمان، دیدگاه آیت الله خامنه‌ای را درباره به هم پیوستگی سه عنصر انقلابی‌گری، استکبارستیزی و عقلانیت نشان می‌دهد. رهبری در سخنرانی بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره)، که یکی از مهمترین سخنرانی‌های ایشان درباره عقلانیت انقلابی است، یکی از ابعاد اصلی عقلانیت سیاسی امام خمینی (ره) را سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم می‌داند و می‌گوید: "امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضا می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته قوام یافته این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب نشینی و کمترین نرمش به پیشروی دشمن می‌انجامد. در میدان رویارویی دشمن از عقب نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی‌آید. هر یک قدم عقب نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان به معنای یک قدم جلو

آمدن دشمن و مسلط شدن اوست. این، یکی از مظاهر عقلانیت سیاسی امام بزرگوار بود (حدیث ولایت، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

رهبری انقلاب اسلامی با توجه به عقلانیت سیاسی انقلاب، یکی از اشتباهات اساسی جبهه ملی و دکتر محمد مصدق را اعتماد به استکبار می‌داند و به همین دلیل تاریخی، مبارزه با استکبار و عدم انعطاف در برابر آن را یکی از وجوه بنیادین عقلانیت می‌دانند و معتقدند که "مبارزه با استکبار، مبارزه با نظام سلطه تعطیل پذیر نیست" (حدیث ولایت، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰). عقلانیت انقلابی اقتضا می‌کند که ما بر مدار استکبارستیزی خود هوشمندانه حرکت کنیم و اگرچه ممکن است گاهی نرمش قهرمانانه نشان دهیم، دشمن خود را بخوبی بشناسیم و بازی نخوریم. آیت الله خامنه‌ای معتقدند با وجود کسانی که محافظه-کارند و با آرمان خواهی مشکل دارند و عقلانیت را در بزک چهره امریکا و فراموشی واقعیت‌ها می‌بینند، استکبارستیزی ما هوشمندانه و آرمان پایدار انقلاب اسلامی بوده و خواهد بود. بنابراین، رهبری انقلاب اسلامی اگرچه انقلاب اسلامی را ناشی از عقلانیت امام خمینی (ره) و مردم می‌دانند، بین عقلانیت و محافظه‌کاری تمایزی می‌گذارند و این دو را نقطه مقابل یکدیگر می‌دانند. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه عقلانی را با محاسبه محافظه‌کارانه به هیچ وجه نمی‌توان مخلوط کرد؛ اینها دو چیز است: "عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه-کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست. محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود... این نگاه ضد غربی و ضد امریکایی در انقلاب اسلامی، متکی است به یک تجربه درست، به یک نگاه عقلانی درست، به یک محاسبه صحیح (حدیث ولایت، ۱۳۸۴/۰۶/۱۱).

### دانش محوری

در اندیشه مقام معظم رهبری، توجه به علم و ضرورت پیشرفت و رشد علمی کشور، به عنوان نقطه قانونی، به نحو بارزی خودنمایی می‌کند. این واژه از دیدگاه ایشان، عامل قدرت است؛ علم، در کنار و همراه با ایمان، دو مؤلفه اصلی ایجاد قدرت ملی می‌باشند. علم کلید اصلی تمدن‌سازی و رسیدن به نقطه مطلوب و همچنین لازمه پیشرفت همه جانبه کشور است؛ به طوری که از دیدگاه ایشان، عقب ماندگی علمی، ریشه عقب ماندگی در سایر زمینه‌ها محسوب می‌شود. همچنین ایشان معتقد است که

عامل عقب ماندگی کشور در دوره‌های پیشین، بی توجهی به علم و مسایل علمی بوده است. از نظر ایشان هیچ کشوری نمی‌تواند به آرزوهای ملی خود دست یابد، مگر اینکه در مسابقه علمی بتواند جایگاهی پیدا کند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، اصالت علم از آنجاست که به عنوان مقوله‌ای بنیادین می‌تواند زمینه ساز پیشرفت همراه با عدالت و معنویت باشد و نظام اسلامی را در تحقق اهداف متعالی خود یاری سازد. بنابراین ایشان خواهان آن نوع پیشرفت علمی هستند که مطابق با بنیان‌های جامعه خودی و هویت اسلامی- ایرانی مردم این سرزمین باشد. به عبارتی، تکامل مورد نظر ایشان آنست که نه تنها مبتنی بر فرهنگ و هویت بومی باشد بلکه، زمینه ساز تقویت آن‌ها نیز باشد. معظم له حفظ هویت ملی را اساس هر پیشرفتی دانسته و می‌فرماید:

"... اگر يك كشور همه اينها را داشت، اما از لحاظ ملی، يك كشور بی‌هويتي بود، فرهنگش وابسته به ديگري بود، از گذشته و تاريخ خود هيچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، يا اگر گذشته‌ای داشت، آن را از چشمش دورنگه داشتند يا آن را در نظرش تحقير کردند، اين کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد" (حدیث ولایت، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

### جوان در گفتمان سیاسی مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب اسلامی ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از زندگی، در بیانیه‌ای راهبردی به تبیین ویژگی‌های مسیر پرافتخار پیموده شده در چهل سال گذشته و برکات انقلاب اسلامی در رساندن ایران به جایگاه شایسته ملت پرداختند و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش بی‌بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمان‌ها، خطاب به جوانان و آینده‌سازان ایران مقتدر، الزامات این جهاد بزرگ را در ۷ سرفصل اساسی بیان کردند. کلیدواژه اصلی بیانیه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که گام دوم انقلاب اسلامی پس از پایان ۴۰ سال ابتدایی را تبیین می‌کند، "جوانان" بودند: «اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلیم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم» (سخنرانی رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴). مقام معظم رهبری در بخشی از این بیانیه به حضور جوانان در روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی و در دوران شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی اشاره و خاطر نشان کردند: «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد

کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور "ما می توانیم" را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد» (سخنرانی رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴).

مقام معظم رهبری همچنین "استفاده از ظرفیت های کشور را نیازمند حرکت آتش به اختیار جوانان دانستند" و خاطر نشان کردند که گروه های جوان مؤمن و انقلابی باید هر کاری را که امکان پذیر است در چارچوب قوانین و مصلحت کشور انجام دهند و معطل کسی نباید بمانند. ایشان با تأکید مجدد بر "ظرفیت های فراوان کشور و ضعف دشمن و لزوم استفاده از فرصت ها"، خطاب به جوانان گفتند: «شما جوانان عزیز موتور پیشران حرکت کشور هستید و باید خود را از لحاظ روحی، معنوی، اخلاقی، صمیمی، علمی و توانایی های مدیریتی و تشکیلاتی آماده کنید و مدیریت کشور را به دست بگیرید. البته از تجربه پیران نیز باید استفاده کنید. آینده کشور متعلق به جوانان است. جوانان می توانند کشور را به قله برسانند و باید آمادگی خود را در عمل و همچنین با ثبات قدم نشان دهند» (سخنرانی رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴).

از سوی دیگر رهبر انقلاب در بیانیه ۲۴ بهمن خود به ظرفیت ها و خصوصیات که جوانان باید برای پیشرفت کشور داشته باشند اشاره کردند. یکی از این خصوصیات عدالت بود که حضرت آیت الله خامنه ای فرمودند: «عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان ها است». نکته دیگر، داشتن رویکرد دینی و اخلاق حسنه بود که ایشان درباره آن گفتند: «رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه ی دینی از عزیزان خود که به جبهه های گوناگون جهاد می شتافتند دل کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون آلود یا جسم آسیب دیده ی آنان روبه رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضا های دینی رونقی بی سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه داری و پیاده روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روز به روز بیشتر و با

کیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی ائتلاف افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است» (سخنرانی رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین از جوانان خواستند تا مسئولیت مدیریت کشور را به عهده بگیرند و فرمودند: «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند». همچنین مقام معظم رهبری در این بیانیه خود خطاب به جوانان صریحا فرمودند: «چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان که بحمدالله کم نیستند سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاءالله». چشم امیدی که رهبر انقلاب به جوانان دارند می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات کشور باشد و تنها کافی است برخی از مسئولین و مدیران با اعتماد به جوانان و سپردن امور کشور به آنان راه را برای روزهای پرامید و موفقیت‌آمیز هموار کنند. روزهایی که با توجه به فشارهای همه‌جانبه و روند فعلی، اگر بدون حضور جوانان و نیرو و انگیزه آنها و اعتماد به آنان، فرا برسد، شاید چندان امیدوارکننده نباشد (ایسنا، ۴ اسفند ۱۳۹۴).

مهم‌ترین مضمون بیانیه «گام دوم انقلاب» که بیشتر از همه توجه همگان را به خود جلب می‌کند، شانه‌های جوانان کشور است که باید زیر بار مسئولیت‌های سنگین در چرخه مدیریت کشور به کار آید؛ آنجا که می‌گوید: «جوانان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند.» این مضمون سه بار در طول بیانیه تکرار شده است و مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور، یعنی نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیر بنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است که باید گام دوم انقلاب را بردارند و در جهت پیشرفت عدالت اسلامی و اقتصاد مقاومتی به حرکت خود ادامه دهند. بیانیه گام دوم، در سطوح مختلف جامعه می‌تواند مایه و منبع همگرایی فکری شود و بر اساس این اشتراکات و همگرایی‌های فکری، جامعه را در لایه هنجارها و کُنش‌ها نیز به همگرایی و وحدت نزدیک می‌گرداند. بیانیه گام دوم انقلاب، متنی است که از

سوی رهبر انقلاب، در رأس اقتدار و مدیریت نظام اسلامی و با توجه به کارکردهای همگرایی فکری، افزایش وضوح و تعریف، ایجاد انسجام و نظام وارگی، اولویت دهی به امور مهم‌تر، تثبیت معارف گذشته و توصیه به استقامت، ارجاع به گفتمان‌ها و اندیشه‌های پیشین، زمان آگاهی و تعمیق زمان در فرآیند تمدنی، آسوگی و الگو مندی در نظام شناخت و گرایش و کنش جامعه و باز خورد گیری از حرکت و سیر تحوُّلی جامعه و نقد آن با ضابطه‌ها و شاخصه‌های انقلابی شکل یافته و این‌ها همه، بخشی از کارکردهای گفتمانی این بیانیه هستند.

### **دیپلماسی عمومی مقام معظم رهبری و نامه به جوانان غربی**

بیداری اسلامی بُعد دیگری از پدیده‌هایی است که در جهان اسلام، توسط انقلاب اسلامی کلید خورد. بنابراین در حال حاضر مسئله مقابله با اسلام، در جدی‌ترین صورت خود، دنبال می‌شود. جمهوری اسلامی ام‌القرای جهان اسلام است؛ یعنی اگر جمهوری اسلامی پیروز شود، پروژه زنده شدن اسلام پیروز می‌شود. بنابراین روح نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی این است که اگرچه به جوانان حق می‌دهند که در فضای رسانه‌ای و سیاسی مسموم غرب، ذهنشان نسبت به اسلام و مسلمانان مسموم شده باشد، ولی به عنوان یک عالم دینی نیز برخورد وظیفه می‌دانند که آن‌ها را به راه راست و مسیر نورانی حقیقت فرا بخوانند. آنانی که معنای دیپلماسی عمومی را می‌دانند، دریافته‌اند که می‌توان این نامه را به عنوان نوع خاصی از این دیپلماسی به شمار آورد. نامه رهبر معظم انقلاب، که مخاطبش جوانان غرب است با توجه به موج اسلام هراسی در جوامع غربی نگاشته شده است. این نامه، هم از لحاظ ساختار، هم از لحاظ ادبیات و هم از لحاظ محتوا، دارای ویژگی‌های بسیار تازه‌ای است. گذشته از نو بودن، ناظر به مسائل مهمی است که امروزه در دنیا می‌گذرد؛ از جمله سیاست‌های غرب در جهان گشایی و به خصوص در تقابل با اسلام. مضامین پیام مقام معظم رهبری همان مفاهیمی است که اسلام نیز در چهارده قرن پیش، انسان‌ها را به آن دعوت کرد. با این مفاهیم قلوب انسان‌ها زنده می‌شود و فاصله میان انسان‌ها را با وجود تفاوت‌های آن‌ها در رنگ و نژاد و فکر، کم خواهد کرد. بنابراین علت نگارش نامه رهبری به جوانان غرب به دلایل زیر است:

- ۱- تلاش مراکز محلی و بین‌المللی برای تخریب چهره اسلام و مسلمانان از طریق ابزارهای مختلف رسانه - ای، سیاسی، اقتصادی و غیره
- ۲- ظهور گروه‌هایی به نام اسلام که هدف آن‌ها چیزی به غیر از نابودی اسلام نمی‌باشد. این گروه‌ها که به گروه‌های تکفیری معروف‌اند، به نام اسلام از تمام روش‌های ترور استفاده می‌کنند و نتیجه اقدامات

تروریستی آن‌ها نیز تخریب چهره اسلام و اعمال فشار بر مسلمانان در نقاط مختلف جهان است. در این میان، این اسرائیل است که بیشترین استفاده را از این تروریسم سازمان‌دهی شده میان ملت‌های مسلمان می‌برد.

۳- ظهور افراد معین و قرار گرفتن امکانات مادی فراوان و رسانه و شبکه ماهواره‌ای در اختیار آن‌ها برای انتشار سموم فتنه میان مسلمانان، چه به نام تشیع و چه به نام تسنن. هدف آن‌ها از مناظرات و افکار منتشرشده در این رسانه‌ها، ایجاد جنگ طایفه‌ای میان مسلمانان است که آثار وخیمی در روحیه جوانان مسلمان برجای خواهد گذاشت و موجب می‌شود همدیگر را بکشند و دشمنان اسلام هم گوشه‌ای بنشینند و به حال مسلمانان بختند.

۴- ظهور گروه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسه‌ای که مردم را به اسلام جدید دعوت می‌کنند و ادعا می‌کنند دیگر نیازی به تفاسیر قرآن و سنت نبوی نداریم. آن‌ها منکر قداست پیامبر و ائمه هستند؛ با این توجیه که قرآن به زبان عربی نازل شده است و ما هم عرب هستیم و می‌توانیم آیات آن را بدون تفاسیر و روایات بفهمیم.

با توجه به تمام این نکات بود که مقام معظم رهبری، این پیام را به جوانان غرب نوشتند تا شاید از نور هدایت ربانی بهره‌مند گردند و از ظلمات به نور و از خط باطل به راه حق رهنمون شوند. آثار و نتایج این پیام حکیمانه ثابت خواهد کرد که مقام معظم رهبری چگونه به نقش تبلیغی خود در تبلیغ دین خداوند متعال عمل کرده‌اند.

### بازگشت به فطرت

مقام معظم رهبری در این پیام به فطرت جوانان اشاره کرده و جوانان را به فراگیری اسلام از منابع اصلی آن و بدون واسطه‌ای فرا می‌خوانند: «اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست‌اول آن بشناسید»، زیرا با وجود این واسطه‌ها، معلوم نیست که رابطه‌ی میان بنده و خداوند ایجاد شود. از طرفی هر انسانی می‌تواند به تنهایی خدای خود را بخواند و در عظمت و جمال آفرینش او و اسباب آفرینش جهان از میلیون‌ها سال پیش و فرجام آفرینش، تأمل کند و ببیندیشد که چرا آفریده شده‌ایم و به این زندگی موقت آمده‌ایم؟ تمام این امور و مطالب مشابه دیگر، نیاز به هیچ واسطه‌ای میان انسان حقیقت‌جو و خداوند متعال ندارند. مقام معظم رهبری در این پیام از جوانان می‌خواهند به سخن کسانی که بر سر راه رسیدن به حقیقت اسلام مانع قرار می‌دهند، گوش ندهند، چون جوانان اگر با قدرت عقل و دلایل علمی و استفاده از راه‌های صحیح فهم حقیقت، از سد احساسات شهوانی بگذرند، می‌توانند با مفاهیم عادلانه و مطابق با فطرت اسلام آشنا شوند، اما این آشنایی از طریق مدعیان اسلام حاصل نمی‌شود، چون آن‌ها

حقایق ربانی و صحیح اسلام را درک نکرده اند. ایشان در این زمینه، به جوانان می‌فرمایند: «به آن‌ها اجازه ندهید با یک تصویر دروغین از اسلام، میان شما و واقعیت سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی طرفانه را از شما سلب کنند» (مجیدی، ۱۳۹۴: ۲۹).

### جوان، محور تحرک جامعه

رهبر انقلاب، جوان در هر جامعه و کشوری را محور حرکت دانسته و می‌فرماید: «اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگران‌اند و دست آن‌ها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انبیای الهی هم از جمله حرکت صدر اسلام محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند» (حدیث ولایت، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵). ایشان در بخشی از پیام خود در رابطه با این ویژگی جوانان می‌فرمایند: «تحقیر و ایجاد هراس موهوم نسبت به دیگران زمینه‌ای مشترک را برای این سوءاستفاده‌های ظالمانه ایجاد می‌کند». گویی ایشان با این سخن تلاش می‌کنند تا افق‌های جدیدی را به روی جوانان امروز غرب بکشایند و آنان را نسبت به ستم‌های روا شده در طول تاریخ نسبت به حقوق انسان‌ها توسط بسیاری از نظام‌های غربی، آگاه سازند. اضافه بر این که در عصر حاضر نیز حقوق بشر بنا بر دلایل سیاسی و اقتصادی و غیره نقض می‌شود. گویی ایشان می‌خواهند به جوانان غربی بگویند به ظاهر ادعاهای این مدعیان توجه نکنید و این مایه‌ی تعجب است که آن‌ها به دنبال تخریب چهره اسلام و ایجاد موج اسلام‌هراسی در میان ملت‌های غربی هستند تا مردم از شنیدن نام اسلام نیز بهراسند. پس روشن است که آنان مقاصد سیاسی روشنی از این سیاست‌ها دارند تا حتی از راهی خلاف حقوق بشر، به اهداف نامشروع خود برسند.

### جوان مومن انقلابی در گفتمان رهبر معظم انقلاب

۱- مهم‌ترین ویژگی که ایشان برای توصیف جوانان جهادی به کار بردند، «مومن انقلابی» است. جوانانی که با همه کاستی‌ها و گلایه‌ها و انتقادات از مسئولان اجرایی کشور، به انقلاب اسلامی وفادار هستند و رسالت خود را گذراندن نظام از مشکلات ریز و درشت روزمره‌ای می‌دانند که در عین کوچکی می‌تواند به اعتماد عمومی مردم به نظام ضربه بزند.

۲- این جوانان فهیم کسانی هستند که به شرایط زمانه آشنا هستند. می‌دانند چه وظیفه‌ای دارند، در محیط‌های گوناگون چگونه رفتار کنند و به اصطلاح برای نظام هزینه‌تراشی نکنند. اینان بصیرت



تشخیص نیاز زمانه و البته فهم مطالبات رهبری را دارند و با این دو ویژگی قبل از اشاره رهبری، وظیفه خود را انجام می‌دهند.

۳- جوانان مورد خطاب رهبری ایجاد عدالت و قیام به قسط را یکی از اهداف حرکت جهادی خود تعریف کرده‌اند. این روزها که جریان لیبرال از تکرار مفاهیم لیبرالیستی طرفی نبسته و در نگاه مردم به ضدعدالت شناخته می‌شوند و نفاق جریانات انحرافی عدالت طلب برای همگان نمایان شده، ارائه الگویی نوین می‌تواند هم برای عموم جذاب باشد و هم در میان خواص به تولد جریان سیاسی جدیدی منجر شود.

۴- الگودهی به اقشارمختلف مردم یکی از نتایج فعالیت این جوانان گمنام است. جوانانی که توانسته‌اند فارغ از سلیقه‌های سیاسی متنوع و شاید سبک زندگی متفاوت، با هدف خدمت‌رسانی به محرومین جامعه در کنار یکدیگر زندگی جدید را رقم بزنند. این موضوع شاید دم‌دستی اما اثرات مهمی دارد. گروه‌های جهادی با تمرکز بر اهداف فراجناحی توانایی گردآوردن جوانان با سلیق مخلف را دارد که می‌تواند بار روانی دوقطبی‌های کاذب جاری در جامعه را کاهش دهد. از سوی دیگر ترمین هرساله تحمل شرایط سخت باعث می‌شود تا هرساله تعداد زیادی از جوانان با موضوع محرومیت آشنا شوند. فراموش نکنید که جوانانی که این روزها تحت عنوان عدالت طلب شناخته می‌شوند و توانسته‌اند در موضوعات به مچون باستی هیلز، نیشکر هفت تپه و موضوعاتی از این دست موج اجتماعی حمایتی ایجاد کنند، روزگاری در قالب اردوهای جهادی فعال بودند و از این طریق محرومیت را شناخته و به دنبال رفع آن هستند.

۵- این جوانان در ابعاد کلان شبکه‌ای از فعالان فرهنگی هستند که در شرایط خاص می‌توانند به عنوان نیروهای ارزشی وارد معرکه شده و نقش آفرینی کنند. معرکه‌هایی که انقلاب نیاز به نیروهای پای کار دارد و این جوانان به علت دلبستگی تدریجی به اصل نظام، حاضر به فداکاری در راه آن هستند (جهان نیوز، ۱۹ مرداد ۱۳۹۸).

## نتیجه‌گیری

بدون شک قشر جوان امروزی در جامعه ایران یکی از مؤثرترین و مهمترین اقشار مؤثر جامعه است که خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست که شاید در کمتر برهه تاریخی جوانان یک سرزمین به این حد نقش مهم و مؤثری در سیاست، اقتصاد و اجتماع داشته باشند. جوانان امروزی با توجه به رشد فضای مجازی و رسانه‌ها، اطلاعات و سواد اجتماعی بالایی دارند و از جهتی نیز با توجه به شور جوانی، پویایی فعالی در زمینه‌های مورد تخصص خود دارند. البته بدون شک سیاست‌جوانگرایی باعث توسعه و آبادی کشور خواهد شد که به برخی از شرایط توسعه‌جوانگرایی در کشور در گفتمان سیاسی مقام معظم رهبری پرداختیم. اما نکته اساسی آن است که می‌توان با اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های

دقیق و راهبردی و الهام از سخنان و اندیشه‌های معظم له، اعتماد به جوانان و در نتیجه توسعه و پیشرفت کشور را تسریع بخشید و بهترین استفاده را از دانش، تخصص و پویایی جوانان به عمل آورد. با توجه به مباحث فوق در حوزه جوانان، انقلاب اسلامی ایران مزیت‌ها و مولفه‌های قدرت ملی زیادی دارد و سیاست نرم افزاری و سخت افزاری، فرصت بهره‌گیری فعال و مثبت را از آن‌ها ایجاد می‌کند. بخشی از این فرصت‌ها در عرصه سیاسی، بخشی دیگر به فرهنگ، تمدن، تاریخ، تعلقات مذهبی مشترک و پیوستگی‌های قومی در قالب سرزمینی باز می‌گردد. از این رو جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با شناخت راهکنش‌های تقویت‌کننده گفتمان مقام معظم رهبری به اهداف مورد نظر خود در توسعه جوانان دست آید. مقام معظم رهبری در توصیه‌های حکیمانه خود پیوسته بر اولویت نگاه به جوانان تاکید نموده‌اند و فرمایشات ویژه‌ای مبنی بر توجه ویژه مسئولین به بخش جوانان بیان داشته‌اند. در بیانات معظم له، حقیقت غیر قابل انکار این است که عوامل تقویت‌کننده روحیه انقلابی جوانان - با وجود تهدیدهای متصور - فرصت‌های مغتنمی را برای معرفی توان‌ها و قابلیت‌های سیاسی-فرهنگی، ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی از طریق آگاه‌سازی و آموزش‌های اجتماعی و در نهایت تولید قدرت در اختیار کشورمان قرار داده است که بیانات و مخصوصاً نامه به جوانان غربی معظم له، نمونه بارزی از استفاده مثبت از استفاده از جوانان برای شناختن اسلام صحیح به جهانیان بوده است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ظرفیت‌سازی و مدیریت کارآمد به بازتولید قدرت سیاسی که منبعث از ایدئولوژی و انقلاب اسلامی است در این حیطه بدست بیاورد.

## منابع

۱. خواجه سروری، غلامرضا و رادفر، فیروزه (۱۳۹۶)، «تیین تحول گفتمانی فرهنگ سیاسی: مطالعه موردی فرهنگ سیاسی ایران». فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۸، بهار.
۲. سمیعی اصفهانی، علیرضا، اکوانی، حمدالله و سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۴)، «تحلیل گفتمانی جهانی شدن و ظهور اسلام سیاسی سلفی- جهادی در خاورمیانه عربی». پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال سوم، شماره هفتم، بهار و تابستان.

۳. خواجه سروری، غلامرضا (۱۳۹۵)، «بررسی مقایسه‌ای مردم سالاری دینی در نگاه آیت الله خامنه ای و آیت الله شمس الدین». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان.

۴. حدیث ولایت (۱۳۹۷)، «مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی». تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی.

۵. شفیعی، احمد و نیک بین، عبدالعزیز (۱۳۹۴)، مولفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری. جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره اول، بهار.

۶. ایسنا (۴ اسفند ۱۳۹۴). جوانان میدان دار اصلی گام دوم انقلاب.

<https://www.isna.ir/news/97120100523>

۷. مجیدی، هادی (۱۳۹۴)، ویژگی جوانان از دیدگاه رهبر معظم انقلاب. نشریه فرهنگی پویا، شماره ۳۰.

۸. جهان نیوز (۱۹ مرداد ۱۳۹۸)، پنج ویژگی جوان مومن انقلابی از منظر رهبر انقلاب.

<http://www.jahannews.com/news/697591>

۹. جهان نیوز (۱۹ مرداد ۱۳۹۸)، پنج ویژگی جوان مومن انقلابی از منظر رهبر انقلاب.

<http://www.jahannews.com/news/697591>

۱۰. جهان نیوز (۱۹ مرداد ۱۳۹۸)، پنج ویژگی جوان مومن انقلابی از منظر رهبر انقلاب.

<http://www.jahannews.com/news/697591>

۱۱. جهان نیوز (۱۹ مرداد ۱۳۹۸)، پنج ویژگی جوان مومن انقلابی از منظر رهبر انقلاب.

<http://www.jahannews.com/news/697591>

۱۲. جهان نیوز (۱۹ مرداد ۱۳۹۸)، پنج ویژگی جوان مومن انقلابی از منظر رهبر انقلاب.

<http://www.jahannews.com/news/697591>

۱۳. جهان نیوز (۱۹ مرداد ۱۳۹۸)، پنج ویژگی جوان مومن انقلابی از منظر رهبر انقلاب.

<http://www.jahannews.com/news/697591>

۱۴. جهان نیوز (۱۹ مرداد ۱۳۹۸)، پنج ویژگی جوان مومن انقلابی از منظر رهبر انقلاب.

<http://www.jahannews.com/news/697591>